

یادنامه یکمین سال درگذشت

زاوند قوکاسیان

محمد رضا زادهوش

اسفند ۱۳۹۴

فہرست مطالب

زندگے و آثار

فہرست منابع و ماخذ

عکس ہا

زاون قوکاسیان در سال ۱۳۲۹ در جلفای اصفهان به دنیا آمد. از کودکی همراه مادرش آدا آتاپان که عضو گروه نمایش آرامنه اصفهان بود هفته‌ای چهار شب به سینما می‌رفت. در دبیرستان ادب تحصیل کرد. محمد حقوقی دبیر ادبیات فارسی نگاهش را به سینما تغییر داد (اخوت، ص ۴۸). تحصیلات خودش را در رشته شیمی در دانشگاه اصفهان دنبال کرد. (فرض اللهی، ص ۱۱۹؛ شعاعی، ۱۳۵۴، ص ۴۹۸) آربی آوانسیان ساخت فیلم چشمه را در سال ۱۳۴۸ در اصفهان شروع کرد و قوکاسیان سر صحنه این فیلم با پشت پرده سینما آشنا شد. قوکاسیان در همین سال نقد فیلم و تئاتر را در مجله نگین آغاز کرد (انتخابی، ص ۱۱۱).

فیلم‌سازی را به صورت آماتور در سال ۱۳۵۰ با فیلم‌های ۸مم در سینمای آزاد شروع کرد. او مسؤل

دفتر سینمای آزاد اصفهان بود و بولتن‌های جشنواره سینمای آزاد اصفهان را چاپ می‌کرد (نصیبی، ص ۸۱). او دوران سربازی را در تبریز گذراند و در این شهر نیز به فعالیت در سینمای ۸مم فرهنگ و هنر پرداخت. (حشمت، ص ۶۵) بعد از سربازی، فیلم ۱۵ دقیقه‌ای در *فلق* را در سال ۱۳۵۲ ساخت (طالبی نژاد، ۱۳۹۳، ص ۴۳) که بی‌تأثیر از چشمه آوانسیان نبود و جایزه سومین جشنواره سینمای آزاد ایران را به دست آورد. او در این سال، محور اصلی جشنواره سینمای آزاد بود (زاده‌وش، ۱۱ شهریور ۱۳۹۴). در سال ۱۳۵۳ فیلم ۱۵ دقیقه‌ای *عزای آینده* را در سینمای آزاد اصفهان کارگردانی کرد.

در سال ۱۳۵۵ مسئول برگزاری و جزء گروه گزینش فیلم‌های جشنواره چهارم سینمای آزاد اصفهان بود. *فصلی دیگر* را در سال ۱۳۵۵ کارگردانی کرد که جایزه دانشگاه آزاد و جایزه ویژه هیأت داوران دومین جشنواره جهان سوپر ۸ را به دست آورد. این فیلم درباره شهادت و عاشورا بود. بعد از این، قوکاسیان را به شوخی، عضو انجمن اسلامی آرامنه خطاب می‌کردند. سپس نقش

خیال را درباره یسایي شاجانیان^۱ نقاش ارمني ساکن اصفهان کارگردانی کرد. *خاج شوپان*، مستند بلندی از او درباره مراسم شست‌وشوی صلیب با عوامل ارمني در کلیسای مریم مقدس در اصفهان پر شد. شاید اولین فیلم ارمني بعد از انقلاب. *تدعی مدم*، فیلم بعدی او بود. (تهامی نژاد، ۱۳۹۳، ص ۶۲).

عروس کهنه را در سال ۱۳۵۶ در ۱۵ دقیقه ارائه داد که در فستیوال فیلم‌سازان جوان منطقه آسیا به نمایش درآمد و در مهر ۱۳۵۳ چند جایزه از ششمین جشنواره سینمای آزاد اصفهان (شجاعی، ۱۳۵۴، ص ۴۳۵) و جشنواره هیروشیماي ژاپن گرفت. در سال ۱۳۶۱/آرمن و

۱. شاجانیان در سال ۱۳۱۸ در جلفای اصفهان به دنیا آمد. استعداد او در نقاشی چشمگیر بود به طوری که آبراهام گورگونیان از استادان مینیاتور، پدر و مادر شاجانیان را جهت تحصیلات او تشویق کرد. شاجانیان بعد از تحصیلات ابتدایی در جلفا، وارد هنرستان هنرهای زیبای اصفهان شد و از جواد رستم شیرازی و مصورالملکی استفاده کرد و در رشته‌های مینیاتور، گل مرغ، تذهیب و تشعیر شهرت یافت. سپس آبرنگ را از پرواند نهابطیان آموخت. شاجانیان سپس به لبنان رفت و دو سال به تعلیم نقاشی پرداخت. در بازگشت به اصفهان به تدریس در هنرستان هنرهای زیبا و بازسازی آثار دوران صفوی در عالی قاپو و چهل‌ستون و کلیسای وانک پرداخت. او آبرنگ را با مینیاتور تلفیق کرد و تابلوهایی در سبک قاجاری و صفوی پدید آورد. او در آذر ۱۳۶۶ در ۴۸ سالگی بر اثر سرطان کبد درگذشت. پس از درگذشت، مدرک درجه یک هنری معادل دکترای او تعلق گرفت. (سجادی نایینی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۶ تا ۲۹۷).

ميلاد مسیح را کارگردانی کرد. در سال ۱۳۶۲ کارگردان مجموعه مستند ۳۰۰ دقیقه‌ای *نفس صبح* بود. در سال ۱۳۶۳ مستند داستانی *...و ميلاد مسیح و عیسی مسیح آموزگار حقیقت* را کارگردانی کرد. فیلم کوتاه داستانی *همه فرزندان من ساخته او* در سال ۱۳۶۴ در شبکه اول سیما تهیه شد که متن آن را پرویز نوایی بر اساس قصه‌ای از علی خدایی نوشته بود و محبوبه بیات و یدالله شیراندازی در آن بازی می‌کردند.

کارگردانی مستند *هنر و ایمان* در ستایش هنر پیروان ادیان ابراهیمی مقیم ایران به سفارش موزه امام علی اثر دیگری از او بود. (هاشمی، ص ۱۰۹)

در بهار ۱۳۷۳ سردبیر شماره‌های ۶ و ۷ فصل‌نامه *زنده رود* ویژه سینما بود که به مناسبت صدسالگی سینما منتشر شد. در سال ۱۳۷۵ موزه *من جلفا* را با حضور مادرش در کلیسای مریم مقدس اصفهان ساخت. در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷ *سرزمین مهر* را درباره هنرمندان ارمنی کارگردانی کرد. در سال ۱۳۷۷ داور هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه در تورین ایتالیا بود. در تابستان ۱۳۷۸ در برپایی اولین هفته فیلم ارشاد اصفهان مشارکت داشت. (انتخابی، ص ۱۱۲)

در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹ نقش عشق را درباره یرواند نهاپتیان^۲، سمبات درکیوریان^۳ و لئون میناسیان^۴

۲. نهاپتیان در سال ۱۲۹۶ در جلفای اصفهان به دنیا آمد. از ۷ سالگی به نقاشی پرداخت. تحصیلات خود را در کالج اصفهان به پایان رساند و زیر نظر سرکیس خاچاطوریان و الکساندر نرسیسیان هنرمند ایتالیایی به آموزش پرداخت. ۳ سال نیز مینیاتور را از مصورالملکی آموخت. یرواند آثاری در رنگ و روغن داشت؛ ولی تخصص او در نقاشی آبرنگ بود و در شکل‌گیری مکتب نقاشی آبرنگ معاصر اصفهان موثر بود. کم‌تر اثری از آثار تاریخی اصفهان یافت می‌شود که یرواند آن را به تصویر نکشیده باشد. در خوشنویسی، مخصوصاً خط نستعلیق و کوفی، توانا بود و در شناخت آثار عتیقه، به خصوص سکه‌های قدیمی مهارت داشت. او در بهار ۱۳۸۶ در ۹۰ سالگی درگذشت. طبیعت بی‌جان، کارگاه‌های سنتی، مسگری، عصارخانه، کوچ عشایر، کاروان‌های رفته در کویر، مساجد، کلیساها و بازارهای اصفهان، سوزده‌های او بودند. تابلوهای کلیسا، شبستان، عساری، کوچ، گلیم و نرگس او شهرت بیش‌تری دارد.

۳. در ۲۷ مهر ۱۲۹۲ در جلفای اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خودش را در مدرسه آرامنه اصفهان شروع کرد و زبان انگلیسی را در کالج انگلیسی پسرانه اصفهان فراگرفت؛ ولی به دلیل تنگنای مالی، تحصیلاتش را ادامه نداد. در سال ۱۳۱۱ سرکیس خاچاطوریان، نقاش ارمنی مقیم پاریس، به اصفهان آمد تا از روی نگاره‌های عالی قاپو و چهل‌ستون نقاشی کند. برای انجام این کار به یک دستیار نیاز داشت. سمبات، راز و رمز نقاشی را به مدت ۳ سال از خاچاطوریان فراگرفت و شیفته مکتب هنری اصفهان شد. خاچاطوریان او را با شیوه هنرمندان غرب، هند، ژاپن و آفریقا آشنا کرد. سمبات در سال ۱۳۲۱ با آراکس آفتاندیلیان ازدواج کرد که حاصل آن آرمن درکیوریان است. سمبات نزد هاکوپ وارطانیان و یقیا ولیجانبیان آموزش نقاشی را ادامه داد. در سال ۱۳۲۳ در چهارمین بی‌ینال تهران شرکت کرد. در سال ۱۳۳۷ نخستین نمایشگاه خود را در باشگاه صنعت نفت آبادان برپا کرد. یک سال بعد به ایتالیا و فرانسه رفت. او در لندن مورد تایید ویلیام

داسل فلینت نقاش انگلیسی قرار گرفت. يك سال را در انگلستان گذراند و به ایران برگشت. او چند نمایشگاه در آبادان، مسجد سلیمان و عربستان سعودی برپا کرد. سمبات، نگارستان شخصی اش را در خیابان چهارباغ عباسی اصفهان پایه گذاری کرد و سال ها در آن جا به آفرینش پرداخت. او در نقاشی با رنگ و روغن، گواش، پاستل، آب مرکب، سیاه قلم و آبرنگ چیره دست بود. نقاشی های آب رنگش پر از صحنه های اصفهانی بود: مسجد شاه، سی و سه پل، پل های خواجه و مارنان و شهرستان. تابلوهای او از بارو و پل و کاخ و میدان و کوچه و بازارهای اصفهان، گردشگران خارجی را به سوی خود می کشید؛ چون از چشم يك غربی به سوژه هایش نگاه می کرد، طوری که نقاشان بومی ایران ندیده بودند. سمبات، مضمون های ایرانی را با تکنیک های غربی می کشید. آثار او بیان غربی مضمون های ایرانی بود. او برای کشف چشم اندازهای نو، شهر به شهر و روستا به روستا می رفت و از صحنه های مورد نظر عکس می گرفت. سمبات در سال ۱۹۴۹ از ایران خارج شد و يك سال را به گشت و گذار در عراق، سوریه، عربستان، لبنان، انگلیس، ایتالیا، سوییس و فرانسه گذراند. خانه های ارمنی جلفا و اصفهان؛ زنان روستایی که دور تنوری نشسته اند و لواش ارمنی می بزند، رقص ارمنیان روستایی در مجلس عروسی، ارمنی هایی که در جویی ظرف و رخت می شویند، یا از آبگیری با کوزه آب برمی دارند نشان می دهد که او يك نقاش مردم شناس بوده است. او در سال ۱۹۸۰ همراه با همسرش به آمریکا مهاجرت کرد و به فرزندانش در شهر لس آنجلس پیوست. نگارستان سمبات در آمریکا نیز باز به تصویر کردن اصفهان و اصفهانی اختصاص داشت. در سال ۱۹۹۱ به ارمنستان رفت و مدت ها در روستاهای ارمنستان به گشت و گذار پرداخت. در سال ۱۳۷۲ نمایش آثار او در ارمنستان با استقبال رو به رو شد. برای آخرین بار در پاییز سال ۱۹۹۳ به اصفهان بازگشت. برنامه هایی برای بزرگداشت او برپا و نمایشگاهی از آثارش در جلفای اصفهان برگزار شد. تابلوهایش را نزدیک به ده هزار برآورد کرده اند که زینت بخش گالری ها، موزه ها و مجموعه های شخصی در سراسر جهان است. از تابلوهای مشهور او باید به این ها اشاره داشت: عصارى. کاروان شتر کنار پل شهرستان. مسافر در شب با شتر. زنان چادری چهارباغ اصفهان. روحانی تسبیح به دست در میدان نقش جهان. زنان روستایی کنار چشمه و آبگیری با کوزه آب. نی نوازی

خیابانی کنار يك استکان چای. شترهای خسته زیر طاقی در اصفهان. کودکان دم دروازه کاروان‌سرای کهنه. بقعه شاهزاده حسین^(ع). زنان عشایر هنگام قالی‌بافی. مدرسه چهارباغ. بازار اصفهان. چهره اعضای خانواده و یاران و نزدیکانش. کلیساهای قدیمی ارمنستان. استراحت ساربانان کنار برج کبوتر. کاروان در شب. مجلس عروسی ارمنیان روستای فریدن در اصفهان. خانه‌های ارمنی جلفا و اصفهان. یپریم خان. چشم‌انداز میدان نقش جهان از بالای مسجد علی که در اختیار نعمت‌الله میرعظیمی است و روی روکش کتاب *اصفهان زادگاه جمال* و *کمال* به چاپ رسید. او در تابستان سال ۱۳۷۸ در ۸۶ سالگی در آمریکا درگذشت.

۴. میناسیان در سال ۱۲۹۹ در روستای خویگان در فریدن اصفهان به دنیا آمد. بعد از تحصیلات ابتدایی در روستای خود وارد کالج اصفهان (دبیرستان ادب) شد. سال‌های ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۹ را به تدریس در روستای زادگاه خود گذراند و مدیریت دبستان‌های سیار ارامنه را برعهده گرفت. در سال ۱۳۲۴ کتابخانه ملی ابویان را در فریدن پایه‌گذاری کرد. از سال ۱۳۳۱ به تدریس در مدارس ملی ارامنه در جلفای اصفهان پرداخت تا این‌که در سال ۱۳۶۰ بازنشسته شد. سپس به همکاری با کتابخانه و موزه روی آورد. سرپرستی موزه ارامنه، مدیریت چاپ‌خانه جلفا و سرپرستی کتابخانه کلیسای وانک از جمله مسوولیت‌های او بود. در سال ۱۳۵۲ مورد تشویق عالی جناب کاتولیکوس خورن اول پیشوای ارامنه قرار گرفت و مدال سنت سروپ مخترع خط ارمنی را دریافت کرد. در سال ۱۳۷۰ هفتادمین سالگرد تولد میناسیان و پنجاهمین سالگرد فعالیت‌های فرهنگی او در چهار شهر ارمنستان و نیز شهرهای اصفهان، تهران، نیویورک و لس آنجلس برپا شد. مدال سورپ مسروپ از مرکز پژوهش‌های کتب خطی شهر ایروان (ماتیناداران) و نامه تشویقی از سوی کاتولیکوس خانه سیسیلی در لبنان و انجمن فرهنگی ارمنستان و انجمن فرهنگی سورپ نرسس شنورهالی در تهران از دیگر افتخارات او بود. نویسندگی را از دبستان آغاز کرد و آثارش را در روزنامه‌ها، مجله‌ها و سال‌نامه‌ها به دو زبان فارسی و ارمنی انتشار داد. علاوه بر نویسندگی، شاعری، نوازندگی ویولن، نقاشی و نجاری نیز را دوست داشت. پنج فرزند او در آمریکا زندگی می‌کردند؛ ولی او زندگی در خانه قدیمی خود در جلفای اصفهان را برگزیده بود.

کارگردانی کرد.

در تیرماه ۱۳۷۹ دومین هفته فیلم ارشاد اصفهان با مشارکت او برگزار شد. در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ در مؤسسه آموزش عالی سوره اصفهان تدریس کرد و در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ مدیر گروه سینمای مؤسسه آموزش عالی سوره بود. خانه او همیشه به روی دانشجویان باز بود.

در سال ۱۳۷۹ داور هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کوتاه سینمای جوان تهران بود و *انسان، اسب، ماهی* را کارگردانی کرد.

از اوست: تاریخ ۳۵۰ ساله ارامنه فریدن، تاریخ نخستین چاپ‌خانه ایران در اصفهان (۱۶۳۸ تا ۱۹۷۲). فهرست نسخه‌های خطی موزه ارامنه جلفا در اصفهان. چهار کتاب از سرایندگان و نوازندگان ارامنه فریدن. صومعه‌های ارامنه ایران (کلیسای وانک اصفهان، سنت طاطاووس، سنت استپانوس در آذربایجان و...). تاریخ ارمنیان جلفای اصفهان در یکصد و چهل سال اخیر (۱۸۵۶ تا ۱۹۹۶). دو فرمان از حضرت رسول (ص) و حضرت امیرالمومنین (ع). نظر مختصری به آیین مذهبی ارامنه ارتدوکس. ارمنیان ایران. سفری به بیت‌المقدس و اسرائیل. ترجمه تاریخ جلفای اصفهان، نوشته هارتون درهوهانیان، تاریخ جلفا از ۱۹۴۶م به این سو. کلیسای ارامنه ایران. ترجمه وصف بناهای مشهور اصفهان. گیوفاکان بار او بان (فرهنگ عامیانه ارامنه فریدن). نور جوقایبی اوقتسویتس. راهنمای جلفای اصفهان. انجمن ملی زنان جلفا. داستان‌هایی از تبریز: در رابطه با ۲۰ سال فرهنگ ارامنه از سال ۱۹۶۲. ترجمه اشک خاطرات گذشته: شمه‌ای از قتل ارامنه ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۳. ۷۰۰ مقاله در روزنامه آلیک (زادهوش، ۱۳۸۴؛ میناسیان، ص ۲۹۱ تا ۲۹۳).

کارگردانی رضا نوربختیار^۵ برای شبکه ۲، زیر آسمان
وانک، طیران و من و هنرمندان موسیقی از دیگر
مستندهای او بودند.

در مرداد ۱۳۸۰ سومین هفته فیلم ارشاد اصفهان با

۵. در ۲۵ دی ۱۳۲۰ در اصفهان به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۹ از دبیرستان سعدی دیپلم گرفت و در کالج چاپ و هنرهای گرافیک لندن به آموختن عکاسی پرداخت. در سال ۱۳۴۵ به ایران بازگشت و به عکاسی حرفه‌ای در زمینه صنعتی، هنری و تبلیغاتی و همکاری با نشریات عکاسی پرداخت. همکاری با موسسه اطلاعات، کیهان، کاسپین، زیبا، ذوب آهن، فولاد مبارکه، شرکت مینو، شرکت ویتانا، ایران ناسیونال، شرکت ملی نفت ایران و انتشارات فرانکلین و برپایی نمایشگاه در اصفهان، تهران و فرایبورگ، از فعالیت‌های او در این سال‌ها بود. آن‌گاه به تدریس در دانشکده روابط عمومی و مطبوعات تهران، دانشگاه سوره اصفهان، دانشگاه سپهر اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان و دانشگاه هنر اصفهان سرگرم شد تا این که آموزشگاه خصوصی خودش را گشایش داد. او ابتدا هنر دیدن را به دانشجویان آموزش می‌دهد و بعد تکنیک ثبت يك لحظه را. او در انجمن عکاسان حرفه‌ای انگلستان BIPP و انجمن عکاسان ایران عضویت دارد. در سال ۱۳۸۸ نشان درجه يك هنری را دریافت کرد. هنگامی که دوربین‌های دیجیتال به بازار آمد او مدتی مقاومت کرد؛ ولی از نخستین عکاسان قدیم بود که به عکاسی دیجیتال روی آورد. به جز ترجمه مقالات، تاکنون چندین کتاب تصویری با موضوعات معماری، عکاسی، هنر و صنعت اصفهان و مناظر زاینده رود و کاشان از او به چاپ رسیده است: کنار هر رودی گام زدم آن رود زاینده رود شد، زنده باد زاینده رود، ایران نگین گوهرین، اصفهان: موزه همیشه زنده، اصفهان شهر صنعت و هنر، کتاب جامع عکاسی. کاشان، مهمان‌سرای عباسی، موزه‌ای درون موزه، ترجمه عکاسی قدم به قدم، ترجمه فرهنگ واژگان عکاسی آنالوگ و دیجیتال.

مشارکت او برگزار شد.

از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ در دانشگاه جامع علمی، کاربردی فرهنگ و هنر اصفهان تدریس کرد. مهر ۱۳۸۰ سردبیر *پروانک* نشریه روزانه شانزدهمین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان بود. در مهر ۱۳۸۱ سردبیر بولتن‌های روزانه هفدهمین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان بود و هنگامی که جشنواره کودک و نوجوان را از اصفهان گرفتند در بازگشت آن به اصفهان نقش زیادی داشت (معظم، ص ۹۸). در سال ۱۳۸۱ پای جشنواره فیلم فجر را به اصفهان باز کرد. در سال ۱۳۸۲ دبیر دومین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های طنز در اصفهان بود. در اردیبهشت ۱۳۸۲ دبیر اولین همایش چشم انداز سینمای کودک و نوجوان در اصفهان بود که از طرف سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان برگزار شد. در خرداد ۱۳۸۲ سردبیر *فیلم‌شناخت* نشریه اولین جشنواره فیلم‌های کوتاه اصفهان و دبیر این جشنواره بود. در آذر ۱۳۸۲ و آذر ۱۳۸۳ مدیر اجرایی اولین و دومین جایزه ادبی اصفهان بود و در مجموع، سه دوره جایزه ادبی اصفهان به همت او برپا شد (بیگدلی، ص ۵۷). در سال ۱۳۸۲ داور اولین جشنواره جهانی فیلم‌های جهان‌گردی ارگ بم بود.

در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ مدرس تاریخ سینما در دانشکده سوره اصفهان و مدیر بخش سینمایی این دانشکده بود. در سال ۱۳۸۳ دبیر دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه اصفهان بود. در زمستان ۱۳۸۳ عضو شورای دبیران اولین جایزه ادبی محتشم کاشانی بود. در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ عضو شورای سردبیری فصل‌نامه *نامه فرهنگ و هنر* بود. فروردین ۱۳۸۴ عضو شورای سیاست‌گذاری جشنواره عاشورایی یادواره فرهنگی و هنری طلوع سرخ بود. (معظم، ص ۹۸)

در اردیبهشت ۱۳۸۴ دبیر سومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه اصفهان بود و داوری بخش مستند این جشنواره را برعهده داشت.

از مهر ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ سردبیر ماه‌نامه بین‌المللی *هنر پارسی* بود.

مستندی درباره آخرین کسوف قرن بیستم در اصفهان را در سال ۱۳۷۸ و مستند *اصفهان یک روز مخصوص* را به همراه محمدسعید محصی ساخت.

در سال ۱۳۸۷ مدیریت رشته سینما را در مرکز آموزش عالی سپهر برعهده گرفت. قوکاسیان، بعد از مرگ مادرش فیلم کوتاهی درباره او ساخت که نوشته علی

خدایی^۶ بود.

در اسفند ۱۳۸۹ جانشین دبیر اولین جشنواره ملی فیلم کوتاه حسنات در اصفهان بود (انتخابی، ص ۱۱۲).
در اسفند ۱۳۹۰ سردبیر فیلم شناخت نشریه دومین جشنواره ملی فیلم کوتاه حسنات و دبیر این جشنواره بود.

او مدیر اجرایی و داور جشنواره‌های بین‌المللی زردآلوی طلایی ارمنستان، کین ارمنستان، تسالونیک یونان و فیلم توربین ایتالیا، دار جشنواره فجر، داور جشنواره ویناله در اتریش، داور جشنواره ملی فیلم ایران و دبیر جشنواره فیلم‌های کوتاه بود. (فرض اللهی، ص ۱۱۹)

بعضی نسبت به او حسودی می‌کردند که چرا همه جا حضور دارد. حتی مدتی سرپرستی بخش سینمایی

۶. در سال ۱۳۳۷ در تهران به دنیا آمد. کارشناسی خودش را در رشته علوم آزمایشگاهی گرفت و تحصیلاتش را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی نیمه کاره رها کرد. او آخرین نفر پذیرفته شده در جنگ اصفهان بود. به توصیه سیدمحمدعلی موسوی فریدنی به داستان‌نویسی پرداخت. آذر ۱۳۸۲ دبیر هیات علمی اولین جایزه ادبی اصفهان بود. او حالا عضو هیات تحریریه فصل‌نامه زنده رود است و مطالبی در فصل‌نامه دریچه می‌نویسد. از اوست: مجموعه داستان/از میان شیشه/از میان مه، تهران: آگاه، ۱۳۷۱. مجموعه داستان تمام زمستان مرا گرم کن، تهران: مرکز، ۱۳۷۹.

حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی اصفهان را برعهده گرفت. برای بعضی عجیب بود که یک ارمنی، مسؤول یک نهاد اسلامی باشد. راز حضور همیشگی او در جشنواره‌ها، اخلاق خوبش بود. او دعوت‌ها را بدون جواب نمی‌گذاشت و هر جا که می‌دید می‌تواند مفید باشد بدون چشمداشت می‌رفت. جلسات نقد و بررسی حوزه هنری اصفهان و نگارستان امام خمینی با حضور او برگزار می‌شد.

در اسفند ۱۳۹۱ دبیر هنری سومین جشنواره ملی فیلم کوتاه حسنات بود.

در تابستان ۱۳۹۲ به تدریس در مؤسسه خصوصی شهر فرنگ پرداخت و مدیریت آموزشگاه جام جم را برعهده گرفت. در اسفند ۱۳۹۲ سردبیر ویژه‌نامه چهارمین جشنواره ملی فیلم کوتاه حسنات و دبیر این جشنواره بود. او تا قبل از این‌که بستری شود، تدریس و راهنمایی پایان‌نامه‌های دانشجویی در دانشگاه سپهر را ترك نکرد.

آثار قوکاسیان، گردآوری است ولی آیا کسی به جز او با اخلاق خوب و روابط گسترده‌ای که داشت می‌توانست از این و آن درباره یک موضوع مقاله بگیرد؟ فهرست آثار او

را مرور می‌کنیم:

❖ *درباره چشمه*، اصفهان: چاپ‌خانه نشاط، ۱۳۵۱،
 ۱۰۹ ص، رقعی، مصور. شاید اولین کتابی که درباره يك
 فیلم ایرانی چاپ شد.

❖ *مجموعه مقالات در نقد و معرفی مسعود کیمیایی*،
 تهران: نگاه، چ ۱: ۱۳۶۴ از بیگانه بیا تا سفر سنگ،
 ۴۷۸ ص، رقعی. اولین کتاب قوکاسیان بعد از انقلاب /
 تهران: نگاه، چ ۲: پاییز ۱۳۶۹ از بیگانه بیا تا گروهبان،
 ۵۴۴ ص، رقعی، مصور.

❖ *مجموعه مقالات در نقد و معرفی آثار مسعود
 کیمیایی*، تحلیل فیلم‌های کیمیایی پس از انقلاب از
 خط قرمز تا فریاد، تهران: دیدار، چ ۱: ۱۳۷۸، ۳۶۸ ص،
 رقعی، مصور.

❖ *مجموعه مقالات در نقد و معرفی آثار بهرام بیضایی*،
 تهران: آگاه، ۱۳۷۱، ۵۲۹ ص، مصور؛ تهران: آگاه، ۱۳۷۸،
 ۶۰۶ ص، مصور.

❖ *درباره مسافران ساخته بهرام بیضایی*، تهران:
 روشنگران، ۱۳۷۱، ۱۹۱ ص، مصور.

❖ *گفت‌وگو با بهرام بیضایی*، تهران: آگاه، چ ۱: زمستان
 ۱۳۷۱ / چ ۲: ۱۳۷۸، ۳۳۵ ص، مصور.

- ❖ گفت‌وگو، نقد و نظر و فیلم‌نامه گفت‌وگو با باد بهرام بیضایی، تهران: دیدار، ۱۳۷۸، ۱۴۸ ص، مصور.
- ❖ بهرام بیضایی و پدیده سگ کشی، تهران: خجسته، ۱۳۸۱، ۲۲۰ ص، مصور.
- ❖ فیلم‌های برگزیده ایران در دهه شصت، تهران: آگاه، ۱۳۷۴، ۲۸۱ ص، رقعی، مصور.
- ❖ بوی کافور عطر یاس، مروری بر آثار بهمن فرمان آرا، تهران: آگه، چ ۱: ۱۳۸۰، ۳۲۴ ص، رقعی، مصور.
- ❖ مجموعه مقالات در نقد و معرفی آثار عباس کیارستمی، تهران: دیدار، چ ۱: زمستان ۱۳۷۵، ۳۶۰ ص، رقعی، مصور.
- ❖ بانوی اردیبهشت، نقد و بررسی فیلم‌های رخشان بنی‌اعتماد، تهران: ثالث و یوشیج، ۱۳۷۸، ۴۶۶ ص، رقعی، مصور.
- ❖ نقش‌های ماندگار، به مناسبت بزرگداشت محمدعلی کشاورز، ویرایش: حشمت‌الله انتخابی، [اصفهان: بی‌نا]، پاییز ۱۳۹۰، ۲۱۴ ص، رقعی، مصور.
- ❖ جشن‌نامه ۴۵ سال کار جمشید ارجمند، تهران: روزنه کار، ۱۳۸۴.
- ❖ خسرو سینایی نقاشی با دوربین، اصفهان: نقش

- خورشید، چ ۱: ۱۳۸۴، ۱۸۴ ص، رقعی، مصور.
- ❖ نقش آبی سیمین، فاطمه خانم معتمد آریا آکتربس
 سینما، تهران: چشمه، ۱۳۸۳، ۱۷۸ ص، مصور.
- ❖ مروری بر زندگی لرتا هایراپتیان (نوشین) نگین انگشتر
 تئاتر ایران، تهران: خجسته، ۱۳۸۶، ۳۵۲ ص، مصور.
- ❖ سردبیر ویژه نگاشت نخستین جشنواره فیلم‌های
 کوتاه اصفهان، ویراسته علی خدایی و بهجت قریشی
 نژاد، بهار ۱۳۸۲، ۱۱۲ + ۶ ص، خشتی، مصور. در این
 مجموعه، تاملی کوتاه بر آثار سعید منافی و گفت و
 گوی با سعید منافی و خسرو سینایی از قوکاسیان
 است.
- ❖ ویژه‌نامه کارگاه هم‌اندیشی دومین جشنواره
 بین‌المللی فیلم کوتاه، اصفهان: نقش مانا، ۱۳۸۳،
 ۱۲۰ ص، مصور.
- ❖ هوشو^۷، قصه‌ها و فیلم‌ها، اصفهان: نقش خورشید،
 ۱۳۸۴، ۲۷۹ ص، مصور.
- ❖ مجید انتظامی موسیقی بر پرده نقره‌ای، اصفهان:
 نقش خورشید، ۱۳۸۴، ۱۶۰ ص، مصور.
- ❖ حقیقت سینما و سینما حقیقت، جست‌وجویی در

۷. هوشنگ مرادی کرمانی را هم کلاسانش هوشو صدا می‌زدند.

عرصه سینمای مستند، به مناسبت برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم مستند در ایران، تهران: ماتیکان و مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱: پاییز ۱۳۸۶، ج ۲ (۲۹۷ + ۴۳۱ص)، رقعی، مصور.

❖ گلاب آدینه *بانوی بازی‌گر*، اصفهان: نقش خورشید، ۱۳۸۴، ۱۳۰ص، مصور.

❖ مقدمه بر *سایه سرو*، پژوهش مهدی تمیزی، تهران: رسم، چ ۱: ۱۳۹۲، رقعی.

❖ *زندگی در تماشاخانه اصفهان*، گفت‌وگو با رضا ارحام صدر، اصفهان: نهفت و صادق هدایت، ۱۳۹۲، ۳۵۰ص، رقعی، مصور. این کتاب مدت‌ها در انتظار مجوز بود. قوکاسیان همیشه نگران آن بود تا این‌که در روزهای آخر عمر در بستر بیماری چاپ شد و به دستش رسید. این آخرین کتاب او بود.

و تعدادی از مقالات:

«راهنمای فیلم / گفت‌وگو با بهزاد رحیمیان»، ص ۱۶ تا ۱۷، *جهان کتاب*، شهریور ۱۳۷۹، ش ۱۰۷ و ۱۰۸.

«تاریخ جامع سینمای جهان» با هوشنگ آزادی‌ور، ص ۲۴ تا ۲۵، *جهان کتاب*، آذر و دی ۱۳۸۰، ش ۱۳۵ تا ۱۳۸.

«تاریخ سینمای ایران در يك نگاه»، گفت‌وگو با محمد تهامی‌نژاد، ص ۱۶، جهان کتاب، شهریور ۱۳۸۱، ش ۱۵۳ و ۱۵۴.

«تاریخ جامع سینما / گفت‌وگو با هوشنگ آزادی‌ور»، ص ۳۰، جهان کتاب، اردیبهشت ۱۳۸۲، ش ۱۶۹.

«راز و نیازهای هزار ساله، گفت‌وگو با آزاد ماتیان»، ص ۴۰ تا ۴۱، جهان کتاب، اردیبهشت ۱۳۸۳، ش ۱۸۱.

«سینما پرواز زنبور، به جشنواره‌های دیگر پرواز خواهد کرد»، ص ۳۰۱ تا ۳۰۶، بخارا، آذر ۱۳۷۷، ش ۳.

«نگاهی به يك اتفاق ساده»، ص ۲۳۹ تا ۲۴۳، کلك، تیر ۱۳۷۲، ش ۴۰.

«گفت‌وگو بردي از يادم»، ص ۲۱۸ تا ۲۲۴، کلك، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳، ش ۴۹ و ۵۰.

«به یاد علي حاتمی»، ص ۲۹۱ تا ۲۹۲، کلك، آبان - بهمن ۱۳۷۵، ش ۸۰ تا ۸۳.

«خاطرات و رویاهایم از تسالوینکی»، ص ۵۲۲ تا ۵۲۶، کلك، فروردین و تیر ۱۳۷۶، ش ۸۵ و ۸۶.

«روایتی ارمنی از خیام و حافظ گفت‌وگو با آزاد ماتیان»، ص ۸ تا ۱۱، جهان کتاب، مرداد و شهریور ۱۳۸۷، ش ۲۳۱ و ۲۳۲.

«ابرای ملکوت دروین»، ص ۶۲۳ تا ۶۲۸، کلک، مرداد و آذر ۱۳۷۶، ش ۸۹ و ۹۳.

«قصه‌های مجید، جادوی ساده پوراحمد»، گزارش فیلم، ۱۵ فروردین ۱۳۷۲، س ۴، ش ۱، ص ۷۹.

«موسیقی منجمد در اصفهان»، گفت‌وگو با منوچهر طیب، *بر بام سپاهان*، یادنامه سیدمهدی سجادی نایینی، اصفهان: فرهنگ مردم، چ ۱: ۱۳۸۷، ص ۱۵۳ تا ۱۶۱.

«گفت‌وگو با محمدعلی کشاورز»، *نامه فرهنگ و هنر*، ۱۳۸۳.

«نتیجه پوراحمد بودن»، نقد فیلم به خاطر هانیه، *گزارش فیلم*، ش ۶۳، نوروز ۱۳۷۴.

«نقد بی بی چلچله»، *روزنامه آلیک*، ش ۲۴۷، ۲۶ آبان ۱۳۶۶.

«درآمدی بر سینمای عاشورایی»، *فصل‌نامه نامه فرهنگ و هنر*، زمستان ۱۳۸۳، ص ۷۷.

«دوست دارم مستندسازی را در فرهنگ‌های مختلف تجربه کنم»، *گفت‌وگو با آرتور هالونن مستندساز فنلاندی*، *حقیقت سینما و سینما حقیقت*، ج ۲، ص ۳۰۴ تا ۳۰۷.

«سینما و ادبیات محمود»، احمد محمود، حبیب باوی
ساجد، تهران: افراز، چ ۱: ۱۳۸۹، ص ۱۶۱ تا ۱۶۲.

«برزلیته یا چه گونه یاد گرفتم فوتبال را جدی بگیرم»،
روزنامه شرق، ش ۲۰۴۱، ۲۷/۳/۱۳۹۳، ص ۱۶. درباره
مستند برزلیته ساخته حبیب باوی ساجد.

«گفت‌وگو با زاون قوکاسیان»، سینما و ادبیات، ش ۲۳،
آذر و دی ۱۳۹۳. درباره سینمای آزاد اصفهان. محمد
حقیقت گفته‌های زاون را درباره مدیریتش در سینمای
آزاد اصفهان درست ندانست و به نقد آن‌ها پرداخت. به
هرحال سینمای آزاد اصفهان، تشکیلات مهم و
گسترده‌ای نبود که مدیریت آن، اهمیت خاصی داشته
باشد.

«مستند حقیقت است»، گفت‌وگو با محمود کلاری، جواد
شمقدری، پرویز شیخ طادی و عزیزالله حمیدنژاد درباره
مستندسازی جنگ تحمیلی، حقیقت سینما و سینما
حقیقت، ج ۱، ص ۲۰۹ تا ۲۲۸.

مصاحبه‌های متعدد تصویری در حوزه هنری اصفهان با
سینماگران اصفهانی از جمله سیدمرتضی مسائلی که
تاکنون منتشر نشده است.

نکوداشت زاون قوکاسیان در سال ۱۳۸۷ در دومین جشن

منتقدان سینما در تالار وحدت (کثیریان، ص ۸۴)، دهم اردیبهشت ۱۳۹۳ در دومین جشن کتاب سال سینمای ایران، و نیز در آذر ۱۳۹۳ در هشتمین جشنواره سینما حقیقت برگزار شد (ملبوس باف، ص ۱۵).

دومین جشنواره ملی فیلم و عکس جلوه‌های آب، آخرین جشنواره‌ای بود که زاون در شورای سیاست‌گذاری آن عضویت داشت.

رضا مهیمن فیلم مستندی درباره زاون ساخته است. زاون در سال ۱۳۹۳ با سرطان معده رو به رو شد. مدتی در وین بستری بود. بعد از این او را به بیمارستان الزهرا در اصفهان انتقال دادند. حال او رو به بهبودی نبود و بنابراین به خانه خودش در اصفهان منتقل شد و روزهای آخر را در خانه خودش گذراند.

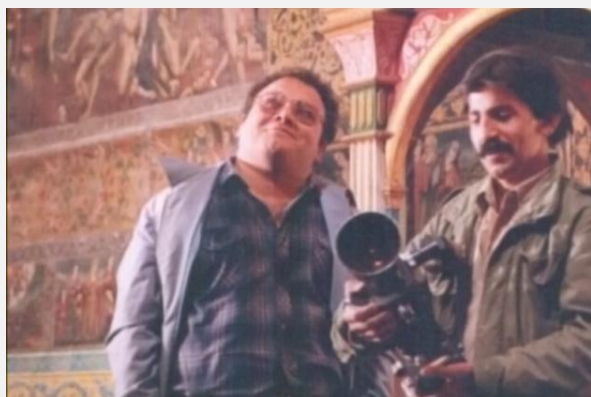
مجید زهتاب يك شماره از فصل‌نامه درچه را به او اختصاص داد و حامد قصری، ویژه‌نامه قوکاسیان را به عنوان ضمیمه روزنامه *نسل فردا* منتشر کرد. قوکاسیان، فیلم‌ساز، کارگردان، مدرس، فیلم‌شناس، روزنامه‌نگار، نویسنده و منتقد ایرانی، جمعه اول اسفند ۱۳۹۳ در ۶۴ سالگی درگذشت. جسد او را دوشنبه چهارم اسفند از مقابل خانه هنرمندان اصفهان به سمت کلیسای مریم

مقدس بردند و بعد از آن در قبرستان آرامنه اصفهان دفن کردند. او اثرگذارترین کارگردان اصفهانی در فضای سینمایی اصفهان در زمان حاضر بود. او تا پایان عمر مجرد ماند. دو برادر و یک خواهر داشت. یکی از برادرانش در جوانی درگذشت. برادر دیگر و خواهرش بعد از انقلاب به امریکا مهاجرت کردند. بزرگداشت قوکاسیان جمعه ۲۲ آبان ۱۳۹۴ به مناسبت هفته کتاب به همت انجمن سینمای جوان، خانه کتاب، جشنواره فیلم کوتاه و خانه سینما در پردیس سینمایی چارسو در تهران برگزار شد. در این مراسم، کلیپ قوکاسیان ساخته فریبرز آهنین و مستند قوکاسیان ساخته طاهره امامی به نمایش درآمد. بنیاد پژوهشی، سینمایی قوکاسیان هم اکنون اعلام موجودیت کرده است.

فهرست منابع و مآخذ

۱. اخوت، محمدرحیم، «حضور کودک مهربان»، فصل‌نامه دریچه، س ۱۰، ش ۳۵، زمستان ۱۳۹۳، ص ۴۸ تا ۵۰.
۲. انتخابی، حشمت‌الله، «کارنامه ناتمام»، فصل‌نامه دریچه، س ۱۰، ش ۳۵، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۱۰ تا ۱۱۲.
۳. بیگدلی، احمد، «زاون و من»، فصل‌نامه دریچه، س ۱۰، ش ۳۵، زمستان ۱۳۹۳، ص ۵۷ تا ۵۸.
۴. تهامی نژاد، محمد، «زاون قوکاسیان کارهایی بیش از یک عمر»، فصل‌نامه دریچه، س ۱۰، ش ۳۵، زمستان ۱۳۹۳، ص ۶۰ تا ۶۳.
۵. حشمت، بهروز، «عاشق اصفهان»، فصل‌نامه دریچه، س ۱۰، ش ۳۵، زمستان ۱۳۹۳، ص ۶۵.
۶. زادهوش، محمدرضا، گفت‌وگویی حضوری با لئون میناسیان، خرداد ۱۳۸۴، منزل میناسیان.
۷. همو، گفت‌وگویی حضوری با سیدمرتضی مسائلی، ۱۱ شهریور ۱۳۹۴، پارک شهید رجایی.
۸. سجادی نایینی، مهدی، معماران و مرمت‌گران سنتی اصفهان، تصحیح گیتی آذر مهر، اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل، چ ۱: ۱۳۸۷.
۹. شعاعی، حمید، فرهنگ سینمای ایران، تهران: [بی‌نا]، چ ۱: ۱۳۵۴.
۱۰. طالبی‌نژاد، احمد، از شما چه پنهان، ویراستار: محسن آزر، تهران: چشمه، چ ۱: پاییز ۱۳۹۳.
۱۱. فرض‌اللهی، امیر، آسیب‌شناسی سینمای کودک و نوجوان، تهران: فردوس، چ ۱: ۱۳۸۷.
۱۲. کثیریان، کیوان، «او بی‌تعارف به گردن سینمای ایران حق دارد»، فصل‌نامه دریچه، س ۱۰، ش ۳۵، زمستان ۱۳۹۳، ص ۸۴ و ۸۵.

۱۳. معظم، فرزانه، «ره آسمان درون است»، فصلنامه دریچه، س ۱۰، ش ۳۵، زمستان ۱۳۹۳، ص ۹۸.
۱۴. ملبوس‌باف اصفهانی، بهروز، «اصفهان و فیلم مستند»، فصلنامه دریچه، س ۱۰، ش ۳۵، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۳ تا ۱۸.
۱۵. میناسیان، لئون، «زندگی‌نامه خودنوشت»، یادنامه ادب، گردآورده بهمن عطایی و حشمت‌الله دوستی، اصفهان: آموزش و پرورش استان اصفهان، چ ۱: ۱۳۸۳.
۱۶. نصیبی، بصیر، ده سال سینمایی آزاد ایران، آلمان سینمایی آزاد، چ ۱: دسامبر ۱۹۹۴ م.
۱۷. هاشمی، سیدمحسن، «اول آشنایی»، فصلنامه دریچه، س ۱۰، ش ۳۵، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۰۹.



هنگام کارگردانی





سینمای آزاد
از راست به چپ:
کیانوش عیاری، سیدحسن بنی هاشمی، زاون
قوکاسیان و ابراهیم حقیقی



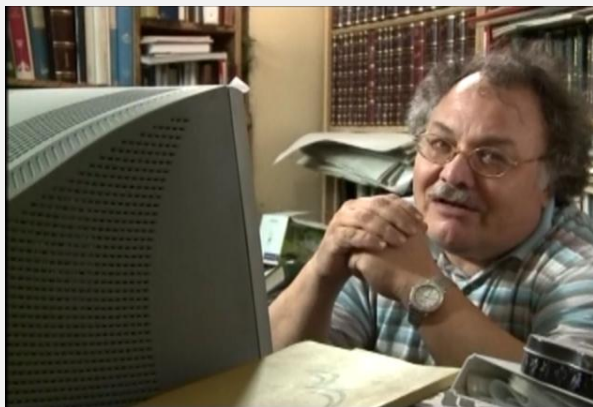
در میان سالی



عادت داشت که به نمایشگاه ها سر بزند.



در کلاس درس



در کتابخانه شخصی



در زادگاهش جلفا



هنگام عبادت در کلیسا



با مادرش



بعد از درگذشت مادرش خیلی تنها شد



سال دهم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۳ - قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

- سیاست حکماری فرهنگی و توسعه سی سال تئاتر اصفهان
- اصفهان و فیلم شستند
- اصفهان پنجاه شصت سال پیش
- عظمت و حکو با دکتر جمشید مطهری
- چهارباغ، خاطره جمعی مردم ما
- چهارباغ، قلب تپنده اصفهان
- موزه ترس
- سینما بهار
- آن شب ...
- آرای خاموش کودکی
- به سلامتی زاون
- ویژه نامه زاون توکاسیان
- مسیحای جوانمرد من
- در اصفهان، سینما یعنی زاون
- همه چیزوی زاون را دارد
- آدم خوب سینمای ما
- مثل مردهای قدیم
- گل‌های خانه منتظرند
- آبروی شهر ماست
- اینجا چراغی روشن است
- زاون، سینما و دیگر هیچ
- زاینده‌رود اصفهان، اصفهان زاون
- و ...



با آثار و گفتاری از:

- غلامرضا آلی‌آبادی، محمد رحیم اخوند، جمشید ارجمند، محمد رضا اصلاقی، حشمت‌الله شهابی، مهرداد بهمنی، احمد پیگدانی، گوهرت پوراحمد، کمال تبریزی، محمد تهامی‌زاد، سیما جنتیان، بهروز شمس، علی خدایی، فریدون خسروی، پرویز دانیس، مهدی رحمانی، محمد رضا پیری، مجید زهتاب، کورس سرژیسی، آلسانه سرشوق، خسرو سینایی، مجید شیدا، حسن صفوری، تهماسب صالح‌چو، محمد رضا شیباه، احمد طایی‌زاد، ناهد طباطبایی، مهدی عشق‌پور، سینو فرشی، بهمن فرمان‌آرا، مهدی کارگر، کیوان کتیریان، محمد کلیسی، امان‌الله کویتا، ناصر کویتان، فتاحه کیان‌زهی، رضا کیانیان، محمد سعید محضی، خشایار محمودی‌آبادی، جمشید مشایخی، ویسا مشایخی، بابک مصطفوی، جمشید مطهری، فاطمه معتز آریا، فرزان معظم، بهروز ملیح‌بال، سعید منافی، وحید موسائیان، محمد علی موسوی فریدنی، سحر مهندسین، زینب، رضا مهین، حسام‌الدین نبوی‌زاد، محمد علی نجفی، سید محسن هاشمی و ...

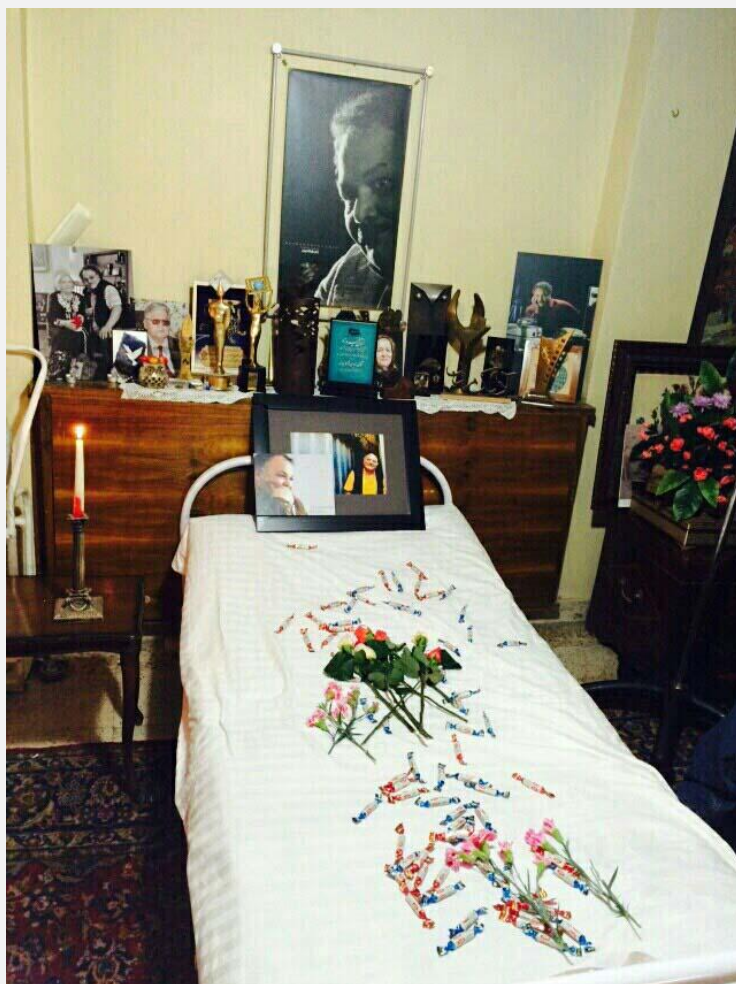
وقتی در اتریش بستری شد، فصل نامه دریچه را به سلامتی او منتشر کردند



عباس کیارستمی در وین بر بالین او حاضر شد



در بستر بیماری هم خنده از لبانش نرفت



وقتی که درگذشت، روی تخت خوابش شکلات ریختند



خانه زاون قوکاسیان در کوچه باغ نگار

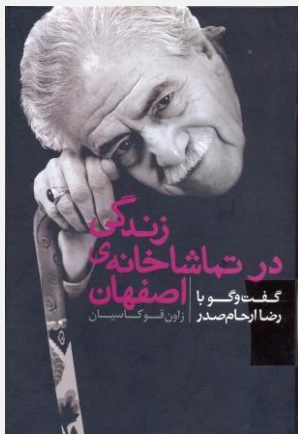


دانشجویانش در تشییع جنازه او با روبان سفید انداخته

بودند

تعدادی از آثارش





کتابی که در آخرین روزهای زندگی، شاهد انتشارش

بود





مقابل خانه هنرمندان اصفهان



آخرین وداع در کلیسا



مزارستان آرامنه اصفهان



